

تصمیم گرفتند زنان را نبینند

نادیده‌انگاری زنان از فردای پیروزی مشروطه

درباره هیچ رویداد سیاسی و اجتماعی در تاریخ نمی‌توان با بررسی تنها یک مقطع تاریخی به قضاوت نشست. مبتنی بر این دیدگاه اگر قرار باشد نگاهی به وضعیت زنان در دوران مشروطه‌خواهی ایرانیان انداخت، نیازمند ملزوماتی هستیم و لازم است که به زمان قبل از مشروطه بازگشت و ریشه‌های شکل‌گیری اندیشه‌های برابری‌خواهانه و فعالیت زنان در دوره‌های پیش از مشروطه را بررسی کرد. زنان نه تنها در دوران مبارزات مشروطه‌خواهی که قبل‌تر از آن نیز تلاش منسجمی برای نشان دادن حضور اجتماعی خود داشته‌اند

در یک مقایسه تطبیقی می‌توان دریافت که در انگلستان، تحولات تجددخواهی ریشه در گذشته‌های دور دارد و مبارزه‌های طولانی برای رسیدن به این امر در تاریخ این کشور به وقوع پیوسته و حتی در حوزه مسائل زنان نیز افرادی چون جان لاک و جان استوارت میل، مدت‌ها قبل تأکید داشته‌اند که اصولاً دموکراسی‌خواهی بدون حضور نیمی از جمعیت جامعه یعنی زنان امکان‌پذیر نیست. جان لاک اشاره می‌کند که چیزی به نام حق پدرسالاری وجود ندارد و سهم پدر و مادر و زن و مرد در میزان دخالتشان برابر است. یعنی سرپوش پدرسالارانه موجود در جامعه را نفی می‌کند و بعد از او جان استوارت میل در کتاب «انقیاد زنان» می‌نویسد که وقتی نیمی از جمعیت جامعه حق انتخاب شدن و انتخاب کردن ندارند چگونه می‌توان به نهادینه شدن امر دموکراسی و آزادی و حقوق برابر امیدوار بود. در ایران اما فرایند دموکراسی‌خواهی و ساخته شدن زیرساخت‌ها و ادبیات مورد نظر در این زمینه طی نشده و به یکباره در مشروطه با ادبیات تجددخواهی مواجه شدیم.

اما بازگردیم به ایران، زنان در عهد قاجار در برخی رخدادهای سیاسی و اجتماعی ایفای نقش کردند، زنان بودند که به جنبش تنباکو سر و شکل بخشیدند تا بدانجا که زنان طبقات بالای جامعه ایران توانستند جنبش تنباکو را حتی در داخل حرم شاه قاجار پیش ببرند. اما به جز جنبش تنباکو، رویداد دیگری نیز در حضور اجتماعی زنان موثر بود. قحطی نان، حضور آگاهانه زنان در جنبش اعتراضی را در پی داشت. تأثیری که البته در زیر سایه سنگین مردسالاری در تاریخ‌نگاری مشروطه قرار گرفت و به فراموشی سپرده شد. به هر حال پیش‌قراولی زنان به‌ویژه در جنبش تنباکو و ماجرای قحطی نان در تاریخ ایران قابل توجه است اگرچه بسیاری از تاریخ‌نگاران از کنار آن گذشته‌اند. البته که هدف از جنبش تنباکو حضور سیاسی زنان در عرصه اجتماع نبوده است اما زنان که غالباً در اندرونی حرمسراها و خانه‌ها زندگی می‌کردند از این فرصت برای ایفا و تمرین حضور اجتماعی خویش بهره بردند و بدین ترتیب فضا برای مشارکت سیاسی زنان مهیا شد.

در دوران مشروطه و قاجار مساله آموزش زنان سامانی نیافته بود و آموزش دختران عموماً در خانه‌ها و توسط معلم سرخانه انجام می‌شد آن هم در خانواده‌هایی متمول و روشنفکر و به واقع بستر جامعه حق تحصیل را تنها برای مرد قائل بود. در چنین شرایطی بود که روشنفکران ایرانی از نیاز زنان به آموزش گفتند و نوشتند. همین کم‌سوادی زنان را شاید بتوان اصلی‌ترین عامل غیاب زنان در تاریخ‌نگاری ایران محسوب کرد. در ایران تاریخ مردم‌نگارانه هیچ‌گاه به تمامی نوشته نشده و در این میان تاریخ زنان ایران بخش‌های نانوشته فراوانی دارد که هیچ‌گاه دیده و نوشته نشده است چرا که خاطره‌نویسی زنان در برهه‌ای تاریخ این مرز و بوم عملی مکروه شمرده می‌شد و لذا بسیاری از زنان دست‌نوشته‌های خود را می‌سوزاندند. با این همه زنانی نیز بودند که با نوشتن خاطرات خود تأثیرگذار شدند. به عنوان مثال خاطره‌نویسی‌های تاج‌السلطنه، دختر ناصرالدین شاه مستندات تاریخی بسیار مغتنمی در اختیار تاریخ‌نویسان و تاریخ‌پژوهان قرار داد. نوشته‌هایی او حاوی مستندات درباره وضعیت و ناتوانی زنان و عدم امکان آموزش در دوران پیش از مشروطه است. او در نوشته‌هایش، خود را موجودی درجه دو می‌داند، جملاتی که بعدها در نوشته‌های سیمون دوبوار نیز می‌خوانیم. تاج‌السلطنه اما به‌رغم زندگی در دربار اما از مشکلات و وضعیت زنان طبقه پایین جامعه آن روز ایران نیز اطلاع داشته و به آن اشاره کرده است. بی‌بی خانم استرآبادی نیز از جمله زنان دوران مشروطه است که وقتی کتاب «تادیب النسوان» منتشر می‌شود، بدون درنگ کتابی با عنوان «معایب الرجال» می‌نویسد که چه به لحاظ محتوا و چه به لحاظ تأثیرگذاری استراتژیک در تاریخ ایران ماندگار شده است. این کتاب اگرچه مجوز نشر در زمان خود نمی‌گیرد اما توسط بی‌بی خانم به مجلس برآمده از مشروطه اهدا می‌شود. از نام‌ها اگر بگذریم می‌توان به نقش‌آفرینی‌های زنان در جنبش مشروطه اشاره کرد. زنان بسیاری در زیر چادر خود سلاح مشروطه‌خواهان را حمل می‌کردند و در منزل بسیاری از رهبران مشروطه‌خواه ماشین تایپ وجود داشت و این دختران بودند که تایپ را از آموخته و اعلامیه‌ها و بیانیه‌ها را تایپ می‌کردند و گروهی دیگر از زنان زیر چادرهایشان این اعلامیه‌ها را جابجا می‌کردند.

بدین ترتیب اگر چه امروز اتفاقات و رویدادهای مشروطه و نقش‌آفرینی‌های زنان در این اتفاقات، خوشایند است و نشانه بیداری و آگاهی تاریخی زنان ایران اما غم‌انگیزترین قسمت انقلاب مشروطه نتایج یافته‌های آن برای زنان است. اگر چه زنان دوشادوش مردان مبارزه می‌کردند اما به‌گاه پیروزی مشروطه از سوی رهبران مشروطه‌خواه نادیده گرفته و حذف شدند و نام زنان در کنار نام مجانبین قرار گرفت و حق رای در انتخابات مجلس مشروطه به آنان داده نشد. مساله دردناک این است که حتی روشنفکران

مشروطه‌خواه که پیشتر در نوشته‌ها و گفته‌های خود از لزوم حضور اجتماعی زنان سخن می‌گفتند به یکباره سکوت اختیار کردند و شاهدان خاموش حذف اجتماعی زنان شدند تا بدانجا که میرزا ملکم خان و فتحعلی آخوندزاده نیز از کنار این واقعیت به راحتی گذشتند. بنابراین تاریخ زنان ایران نیازمند بازنویسه شدن است و تلاش‌های زنان مشروطه‌خواه نیازمند باز روایت شدن. نمی‌شود حضور و نقش آفرینی اجتماعی زنان سخن گفت اما آنان را در تاریخ‌نگاری‌ها نادیده گرفت.

شهلا لاهیجی

مدیر انتشارات روشنگران و مطالعات زنان

تاریخ ایرانی